

حرف درشت

چند پند مهم به پسر

● **بویا عالمی:** پسر؛ مسائل سیاسی مثل تخمه است، اولی را که برداری و بشکنی، تا ته می‌روی. پس ای پسر، از هر چیز این شکلی بپرهیز... پسر؛ آن انگشت که الان باهاش مشغول کندوکاو و گیگیلی هستی، انگشت سرنوشت‌ساز توست... پس وقتی با آن انگشت گیگیلی‌ات رای می‌دهی، ناراحت نشو چرا وضعیت کشور این طوری است... پسر؛ درست است که من آقای تو هستم، اما تو را من زاییده‌ام. اینکه بچه‌های سیاستمدارها و مسئولان آقا زاده هستند مسئله خانوادگی خودشان است و ما نباید سؤال کنیم...

پسر؛ خیال نکنند هنرمندان و نویسندگان فقیر هستند. الان به‌راحتی می‌شود اسپانسر گرفت و تبلیغ غیرمستقیم کرد؛ مثلاً داریوش شایگان از سازمان گردشگری شیراز پول می‌گیرد تا با آوردن اسم کوچکش روی جلد کتاب، تبلیغ غیرمستقیم تخت‌جمشید را کند. همین محمد قوچانی هم از پسته‌کاران قوچان پول می‌گیرد تا غیرمستقیم پسته قوچان را بهتر از پسته دامغان نشان بدهد. هرچند الان علی دامغانی، شاعر سابق و رئیس فرهنگستان هنر، با اسمش کاری کرده که پسته دامغان فروش نرود. پسر؛ گول لایک‌های اینستاگرام را نخور و به دایرکت اعتماد کن؛ و همیشه پسته بخور.

پیشخوان



جدیدترین شماره نشریه یادآفرین با موضوع بررسی شهرهای جهانی و بین‌المللی آسیا و ایران منتشر شد. یادآفرین به بررسی جایگاه برند شهری در ساخت و احصای برند ملی کشورها می‌پردازد و به یادداشت‌ها و مطالب مختلف به تحلیل نقش شهروندان و جامعه شهری، سیستم مدیریت شهری و کارگزاران شهر در بازنشر تصویر و انگاره شهرها و کشورها در عرصه بین‌المللی می‌پردازد. در پرونده شهری این شماره، برند شهری و گردشگری شیراز و نقش این شهر در توسعه برند ملی گردشگری ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در پرونده بین‌الملل، روند برندسازی ملی مالزی و سیاست‌های برندینگ در دوره ماهاتیر محمد و همچنین برندینگ شهری کوالالامپور و تبدیل این شهر به مرکزی جهانی در آسیا تحلیل شده است.

شتر

روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۶ • ۱۸ محرم ۱۴۳۹ • ۹ اکتبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۸۱ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۵۵ • اذان صبح فردا ۴:۴۲ • طلوع آفتاب ۶:۰۶

روزنامه‌فرو

فardashargh@gmail.com

کارتون خواب

محمد رضا ثقفی



سلام به فردا

کودکان و نیاز به آموزش و پرورش حساس

بهبودی کشور راه‌اندازی شده و به اجرا در آمده است که در آن نوجوانان سال‌های هفتم، هشتم و نهم متوسطه در قالب تشکلهای فعال دانش‌آموزی، نسبت به آسیب‌های اجتماعی که تهدیدشان می‌کند حساس شده، کسب اطلاع کرده، خودشان با توسل به ابتکار عمل و چاره‌اندیشی و تدبیر خود و با اتکا به حمایت‌یابی از گروه‌هایی نظیر معلمان‌شان، والدین‌شان، افراد کلیدی حوزه همسایگی و نهادهای اجتماع‌محور اقداماتی را به صورت جمعی و با همکاری و همیاری هم‌دیگر طراحی و اجرا می‌کنند.

چنین طرح‌هایی از چند نظر سودمند واقع می‌شوند: هم از وجه تسهیل و تقویت نظارت اجتماعی معلمان و والدین بر عملکرد اجتماعی مبتکرانه و مثبت دانش‌آموزان، هم از باب تقویت همکاری بین‌نهادی میان خانواده و مدرسه، هم از باب ارتقای توانمندی نسل نوجوان که نه صورتی فعال و نه منفعل، در برابر آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده، به‌موقع به اطلاعات و آگاهی‌های ضروری مجهز شده و با کشگری جمعی، سطح مسئولیت‌پذیری‌شان افزایش می‌یابد و در تعامل سازنده با گروه‌های دیگر پیامونی خود، امکان بهتری برای رشد و بالندگی و محافظت از خود و هم‌سالان خود پیدا می‌کنند. البته با توجه به محدودیت‌های بودجه و پرسنلی و مشکلات اقتصادی و فرهنگی، برنامه‌های جدید، هرچند ایده‌ها و الگوهای تعاملی مبتنی را در خود دارند اما پیاده‌سازی و اجرای ثمربخش این برنامه‌ها، مستلزم پایش و نظارت جدی و مستمری از سوی کارشناسان، ذی‌نفعان و همچنین نهادهای مستقل به‌ویژه نهادهای مردم‌نهاد است تا ارزش‌های اهدافی که مبنای طرح‌ریزی برنامه‌های جدید بوده با قوت بیشتری امکان تحقق و دستیابی داشته باشد.

♦ **دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، عضو هیئت‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران**

نظارت بر کاربرد این فناوری‌ها و محافظت از کاربران نوجوان هنگامی که در شبکه‌های اجتماعی فعال می‌شوند، احساس شده است. این حساسیت نسبت به شرایط متغیر روز و برنامه‌ریزی به‌موقع در جهت پیشگیری از پیامدهای سوء احتمالی صحنه‌های نوین تعامل اجتماعی، مسلمانا درباره گروه سنی کودک و نوجوان از اهمیت خاصی برخوردار است، به‌ویژه که با توجه به شتابنده‌بودن سرعت تغییر و تحولات اجتماعی، در شرایط عدم تدارک آموزش‌های مناسب و ناشناخته‌بودن برخی از تبعات استفاده از امکانات تکنولوژیک جدید، می‌توان گفت حتی نسل‌های قبلی -در اینجا والدین دانش‌آموزان یا حتی معلمان- خود در برابر سرعت تحولات فرهنگی و اجتماعی و تکنولوژیک تا حد زیادی آسیب‌پذیر و فاقد آمادگی‌های لازم هستند و چپ‌ساله خود نیاز به آموزش، آگاهی و آماده‌سازی بهتر و بیشتر دارند تا نهایتاً بتوانند به سهم خود در امر حمایت از فرزندان‌شان و اعمال نظارت‌های لازم و مدیریت شرایط بحرانی، موفق‌تر عمل کنند. در این صورت نهاد آموزش‌وپرورش مسئولیت‌شناسایی تهدیدهای جدید در زندگی اجتماعی فرهنگی امروز را به‌خوبی در دستور کار خود قرار داده است و در جهت شناسایی و پاسخ‌گویی به نیازهای روز در این زمینه انعطاف‌پذیری خوبی نشان داده و گام‌های مقدماتی مؤثری را برداشته است. در سال‌های اخیر، مطابق با راهبردهای جدیدی که در گزارش دکتر نادر منصورکیایی معرفی شده است، فعالیت‌های آموزش‌وپرورش در زمینه پیشگیری از و مقابله با آسیب‌های اجتماعی، اواقع، از سطح اقدامات فردمحور نظیر آموزش مهارت‌های زندگی فراتر رفته و اقدامات اجتماع‌محور و برنامه‌هایی مبتنی بر شکل‌سازی و برنامه‌های ارتقا‌دهنده سرمایه اجتماعی را نیز به‌دستورکار خود افزوده است و برنامه‌هایی نظیر «مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان» (با طرح ماد) که با همکاری سازمان

اخیرا گزارشی از سوی مدیر کل محترم دفتر مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش‌وپرورش درباره اقدامات و برنامه‌های فراگیر این وزارتخانه در جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مراقبت از کودکان و نوجوانان در قالب فعالیت‌های متاخر این نهاد عمومی ارائه شده و در آن راهبردهایی که همکاری‌های بین‌نهادی را تسهیل و تقویت کرده، نظیر توسعه مداخلات زودرس و مداخلات مبتنی بر دوره شیوع، تلفیق آموزش پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با کلاس درس و محتوای درسی، افزایش نرخ پوشش برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه مشارکت و همکاری مدارس، خانواده‌ها و محلات در نهضت فرهنگی اجتماعی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و توجه هم‌زمان به تقویت عوامل محافظت‌کننده و کاهش عوامل مخاطره‌آمیز به منظور استقرار نظام مراقبت اجتماعی از دانش‌آموزان با فرایند کاملی از غربالگری تا آموزش، درمان و حمایت‌های اجتماعی معرفی شده است. مسئولان این وزارتخانه در تلاشند تا با رصد مشکلات و آسیب‌های اجتماعی برنامه‌های خود را منطبق با تحولات روز و عواملی که بر این تحولات تأثیر می‌گذارند توسعه داده و تنوع بخشد. به‌عنوان مثال، به آسیب‌های - به اصطلاح- نوپدید توجه شده که هر چند می‌دانیم در قالب بهره‌برداری از تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، ظرفیت‌های جدیدی برای تعامل و ارتباط و گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان گشوده شده، اما در مواردی هم به زعم برخی، همین بهره‌برداری‌ها، تهدیدی برای نوجوانان شناخته شده است و ضرورت

پشت تاریخ

در آستانه چرخش از «ما خودمان...»



بابک زمانی
رئیس انجمن سکتة مغزی

چندی پیش رئیس سازمان محیط زیست، دکتر «عباس کلانتری»، بعد از بیاناتی شگفت‌انگیز درباره پلائی که نسل ما بر سرزمینمان وارد کرده، پروفیسور «کاوه مدنی» را به معاونت سازمان متبوعش منصوب کرده است؛ انتصابی که باعث شگفتی توأم با نشاط حامیان محیط زیست ایران شده است؛ پروفیسور «مدنی» به اظهار همین کارشناسان، یکی از استادان برجسته بین‌المللی در کار محیط زیست و درعین‌حال یکی از جوان‌ترین و پرتاثرترین آنهاست. این انتصاب این سؤال را مطرح کرد که آیا کشور ما در آستانه یکی از مهم‌ترین چرخش‌های انتخاب مدیران در تاریخ معاصر قرار دارد؟ آیا مدیریت منابع و امکانات کشور دارد آهسته‌آهسته از قیدوبندهای گوناگون خانوادگی و عشیره‌ای و ... و هر معیار غیرکارشناسانه دیگری دور و به اندازه یک بند انگشت به سیستم بین‌المللی نزدیک‌تر می‌شود؟ تا قبل از این انتصاب تنها در یک حیطة توانسته بودیم ارزش مدیریت و مریبگری کارشناسانه واقعی را درک کنیم و بهای سنگینی برای آن بپردازیم که آن هم مریبگری فوتبال بود؛ در بقیه زمینه‌ها همچنان در گیرودار تصورات غرورآمیز «ما خودمان...» به‌سرمی‌بریم، آن هم درحالی‌که همین «خودمان» را هم از بین ساکنان داخل کشور تعریف می‌کرده‌ایم. نه «خودمان» به معنای ایرانیان ساکن دنیا؛ تنها در دانش فوتبال که آن هم در آخرین تحلیل، سرنوشت آن را یک توپ گرد تعیین می‌کند، نه کارشناسی علمی است که توانستیم ارزش کارشناسی بین‌المللی فارغ از هر وابستگی ملی را درک کنیم؛ و این در حالی است که بر اساس همه اصول اخلاقی و دینی در هر موضوع مربوط به منافع یا سلامت عموم مردم باید از مدیریت بهترین مدیران دنیا قطع نظر از ملیت و رنگ پوست و عقایدشان استفاده کرد که البته در بسیاری از موارد درحال حاضر کارشناسان برجسته ایرانی با همین ملیت و رنگ‌پوست و عقاید در اقصانقاط دنیا مشغول کار و رتق‌وفتق امور دنیا هستند و تنها لازم است اندکی آن دایره «ما خودمان...» را گشادتر ببینیم تا شاید سال‌ها بعد در زمینه‌های اقتصادی و کشاورزی و سلامت هم بتوانیم همچون فوتبال به نگاهی کاملاً بین‌المللی دست یابیم. آیا به‌کارگرفتن پروفیسور «مدنی» و رسیدن به این دیدگاه ناشی از بحران عمیق و رسیدن کفگیر به ته‌دیگ محیط زیست بوده است و چاره‌ای جز دست‌بازیدن به فراخ‌ترین نگاه‌های کارشناسانه نمانده بوده؟ شاید. اما نکته مهم این است که درک و رؤیت بحران‌های موجود و توان پیش‌بینی عاقبت شوم برخی روندهای امروز در محیط زیست و فردا احیاناً در حیطة‌های دیگر هم خود‌نشانه‌ای است از ادراک اجتماعی‌ای بالاتر و مدرن‌تر! چراکه در بسیاری از زمینه‌های دیگر؛ مثل سلامت، همین الان هم بحران‌های عمیقی وجود دارد، اما آن‌طور که باید‌وشاید مورد ارزیابی و شناسایی قرار نگرفته‌اند. آیا می‌توانیم انتصاب پروفیسور «مدنی» را مقدمه‌ای بدانیم برای انتشار فراخوانی بین‌المللی برای انتخاب نه‌تنها مدیران کارگشته سیستم‌های سلامت در یک مقیاس بین‌المللی، بلکه حتی انتخاب رئیس یک بخش پزشکی از میان بهترین‌های دنیا، آن هم درحالی‌که ایرانی‌بودن یا ریشه ایرانی داشتن یک امتیاز برای استخدام به حساب خواهد آمد، نه به‌خاطر یکی از قریابت‌های قدیمی «ما خودمانی...» که تنها به دلیل آشنایی و زبان و فرهنگ ملی ما! این‌گونه انتخاب اگرچه در ذهن ما بسیار دور و بعید می‌نماید، اما همین الان روند رایج و بسیار معمول دنیاست و معتبرترین نشریات علمی دنیا آکنده است از آگهی استخدام بهترین مدیران برای بخش‌های آموزشی و علمی در سطح بین‌المللی! سال گذشته بخش پارکینسون تورنتو که یکی از مهم‌ترین بخش‌های پارکینسون دنیاست و بیش از ۱۰ استاد برجسته بین‌المللی در آن مشغول به کار هستند، موفق شد بعد از بررسی‌ای طولانی به‌جای پروفیسور «لانگ» که بازنشسته شده بود، استادی اسپانیایی از شهر بارسلون را برای ریاست بر خود انتخاب کند.

نکته

در دفاع از کیارستمی

کمتر از ۱۲ ساعت بعد از انتشار گفت‌وگوی ایرج فاضل با خبرگزاری فارس، درباره پرونده پزشکی عباس کیارستمی در شبکه‌های اجتماعی با هشتم #کاه‌کوه، بیش از دو میلیون توییت و بازتوییت منتشر شد. از نظر این مسئول، «این پرونده به سرانجام رسید، ولی به نتیجه آن توجه نشد. به‌عنوان رئیس سازمان نظام پزشکی به هیچ عنوان تأیید نمی‌کنم که برای هر بیماری دادگاهی ویژه تشکیل بدهیم.»

بهمن کیارستمی نیز دیروز بعدازظهر به این اظهارات واکنش نشان داد. اما نکته‌ای که کاربران اجتماعی که اکثرآ نقدی به سیستم پزشکی کشور داشتند آنان را به اعتراض واداشت، این جمله بود: «متأسفانه همیشه سعی می‌کنیم از کاه، کوه بسازیم و خبرسانی‌های ما خوب و دقیق برای مردم نیست. پرونده کیارستمی نیز از این موضوع مستثنی نبود.»

بعد از ۴۵۰ روز مردم همچنان به یاد این بزرگ سینمای ایران هستند و اتفاقاتی که در بیمارستان و از سوی پزشکان برای ایشان رخ داد، هنوز واکنش‌برانگیز است.

جمعی از چهره‌های شناخته‌شده؛ نظیر مهناز افشار، حبیب رضایی و... در این باره واکنش نشان دادند.

اما یک عکس و یک یادآوری بیش از هر چیز می‌داند منظر معترضان به این سخنان بود.

عباس کیارستمی در ۲۹ تیر ۱۳۷۶ نوشته بود: «من می‌خواهم با مرگ خودم بمیرم، نه با مرگ پزشکی». عکسی از دست‌نوشته کیارستمی بازنشر شده بود و بازخوانی این

نکته که کل اعتراضات خانواده کیارستمی این‌ها بود که دلیل اتفاقات، عفونت و کم‌کاری در ایران مطرح شود؛ اینکه چرا هنوز کسی درباره عفونت شدید اولیه پاسخ نداد.

از سوی دیگر ذکر این نکته از سوی مسئولان که نباید به پزشکان برای خطای پزشکی اعتراض کرد و برای هر بیمار دادگاه تشکیل داد، هم بسیاری را شگفت‌زده کرده بود. این سؤال مطرح بود چگونه می‌توان مسیر را به‌گونه‌ای اصلاح کرد که پزشکان متخلف به‌نوعی نتوانند از زیر بار مسائل و خطاهای پزشکی فرار کنند. برخی از واکنش‌ها نیز اعتراض به این نکته بود که دکتر فاضل مرگ کیارستمی را طبیعی جلوه داده است، درحالی‌که انتظار می‌رفت بعد از این همه مدت، جوابی که بتواند سیل علاقه‌مندان و تشییع‌کنندگان را راضی کند داده شود. سال پیش در همین روزها هم جمعی اعتراضی برگزار شده بود.

احمد کیارستمی، مصرعی از پدرش نوشته بود: «علف‌های نورسته به‌جا نمی‌آورند درختان کهن را.»

مهناز افشار نوشته بود: «عبارت‌های بی‌مایه و توهین‌آمیز خس و خاشاک بزغاله و گوساله حالا هم که قیمت جان عباس کیارستمی کاه شد». حبیب رضایی نیز نوشت: «تیمان به «کاه» طبییان نیازمند میاد که درها، «کوه» می‌شود حتما... قسم پزشکی برای حفظ جان آدمی است، نه تحقیر آن، آقای دکتر! همین». نکته جالب این است که مرور زمان توانسته گرد فراموشی بر فاجعه مرگ کیارستمی بپاشد. قرار است به‌زودی نامه‌ای به وزیر بهداشت در بیکبری قول ایشان درباره ارائه یک گزارش مستند از نحوه درمان عباس کیارستمی در ایران، منتشر شود. آرزویی که بسیاری دارند این است که مشخص شود اگر برحسب اتفاق حوالی تعطیلات به دلیلی مجبور به عمل جراحی شوند، آیا سرنوشتی مشابه کیارستمی پیدا می‌کنند؟ اگر در یک گزارش دقیق و روشن ماجرا را شرح دهند، شاید بسیاری از نگرانی‌ها برطرف شود.

اتفاق

به نمایش درآمد. این فیلم به روایت کسب‌وکار بنیان‌گذاران فولاد طبرستان می‌پردازد؛ چند مهندس جوانی که در بحبوحه جنگ و باوجود تمام مشکلات پیش‌رو گردهم آمدند تا از طریق تولید برای خود و دیگران درآمدزایی کنند.

آمد و علاوه‌برآن میزگردهایی با حضور استادان صاحب‌نظر با هدف بررسی جنبه‌های کارآفرینانه و مدیریتی کارآفرینان برگزار می‌شود.

در اولین روز هفته فیلم مستند کارستان، فیلم طبرستانی‌ها، به کارگردانی محسن عبدالوهاب

کار خصوصی به مثابه رفیتنگ

شرق: هفته فیلم مستند کارستان با پخش فیلم «طبرستانی‌ها» آغاز به کار کرد.

در این برنامه شش مستند از کار و زندگی‌های الهام‌بخش کارآفرینان موفق به نمایش درخواهد

کسب و کار پر رونق با عضویت در شبکه آسان خرید



شرکت کارت اعتباری ایران کیش
(سهامی عام)